

A sociological criticism of the ISIS behavior toward women in the novel *Ala Maedat ul-Da'ish* by Zahra Abdullah

Zahra Mahoozi, Master student in Arabic Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr

Rasoul Balavi¹, Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University

Nasser Zare, Associate Professor of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr

Received: 16-07-2020

Accepted: 13-03-2021

Introduction: Sociological criticism is an appropriate method of analyzing literary works, including realistic novels, which studies and examines different classes of society, different behaviors, attitudes, practices and actions in the social structure within temporal and spatial periods. This view of criticism puts the society, the author, and the literary work in a living relationship and discusses and evaluates it. In fact, literary critics become fully aware by exploring the society created in the literary work at a certain time and place in which the characters originated, so that he can use the method of sociological criticism to interpret the literary work as the author's reaction to society. He examines himself and thus analyzes his perceptions of the environment and culture of that community. Sociological criticism of the contemporary period gradually spread to the Arab world, and writers in various Arab countries have so far used this method to criticize social unrest, women's rights, patriarchy, and cultural poverty in society. One of the modern approaches in investigating literary works is "sociological criticism of novels". It analyzes the relationship between social structure and society changes in a fictional and literary content. As a matter of fact, sociological criticism of novels examines and criticizes the society's artistic reflection which is depicted in an imaginary world. This literary method with a feminine approach is a new attitude that has a wide potential to include the main and long-standing topics related to women.

Methodology: Zahra Abdullah is one of the social realist writers in the Arab world who has used the method of sociological criticism with a feminine approach in the novel *Ala Maedat ul-Da'ish*. As a social work with a feminine approach, this novel concerns issues including captivated women's rights, cultural poverty, patriarchy, social disorders under the name of Islam by men in ISIS. Furthermore, it illustrates the wounds and sufferings that women have been exposed to due to the occupation of Iraq. In this social novel, she focuses on the nature of the society, its function and impact on the personalities of women captured by ISIS, and the impact of the social, political and cultural situations of that time and place on the characters and events of the story. It draws a picture. In fact, the novel *Ala Maedat ul-Da'ish*, as a feminist literary work, criticizes the actions of ISIS men and their crimes in the name of Islam and against women.

¹- Corresponding Author Email: r.ballawy@pgu.ac.ir

Results also Discussion: The purpose of this study is to investigate and inspect ISIS's behavior towards women in the novel *Ala Maedat ul-Da'ish*, based on the framework of sociological criticism of novel in literature using a descriptive-analytical method. The other objectives of this study include discovering the image of ISIS based on Arabic novels from the sociological point of view of literature, examining and explaining the behavior of ISIS terrorist forces against women, and familiarizing those interested in the situation of women and ISIS-dominated society with ISIS-based novels.

Conclusion: The findings of this study demonstrate that the author of the novel has been able to open a new window to the recognition of different aspects of Iraq's occupation and enslavement of women by ISIS. The findings of this study acknowledge that the authors of ISIS-oriented Arabic novels are able to open new avenues for the understanding of various aspects of the occupation of Iraq, trafficking in women, behaviors leading to suicide, physical and psychological abuse against women by ISIS forces. Causes of women's tendency to ISIL terrorist group and the psycho-social injuries of the women affiliated to the group show the status of divorced women and single girls beyond traditional Arab communities and social and cultural disorders of Arab communities, especially in Egypt and Iraq. In this article, to obtain the required data, the literature on the variables and the relationships among them were used by referring to the existing sources. The research method is the study of sociology books, sociology of literature and content analysis and several critical novels focusing on ISIL from a sociological perspective. The results show that the novel has a feministic nature; the men in the story are described as selfish, tyrannical, insensitive and lustful, who do not understand women and their femininity and are not aware of women except their bodies. The predominant demand throughout the novel is to create security and improve the situation of captive women. Zahra Abdullah deals with all kinds of violence against women and considers the despair, failure and frustration of women effective in the commitment of these acts of violence. She describes women in the Iraqi society in such a way that they cannot achieve their true status in any religion, whether Islam or non-Islam.

Keywords: Sociological criticism, Women, ISIS, Zahra Abdullah, *Ala Maedat ul-Da'ish*.

نقد جامعه‌شناختی رفتار داعش علیه زنان در رمان «علی مائده داعش» اثر زهراء

عبدالله

زهرا ماهوزی، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

رسول بلاوی^۱، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

ناصر زارع، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

چکیده

یکی از رویکردهای نوین در بررسی آثار ادبی «نقد جامعه‌شناختی رمان» است. نقد جامعه‌شناختی رمان، به واکاوی ارتباط میان ساختار اجتماعی و دگرگونی‌های جامعه در محتوایی داستانی و ادبی می‌پردازد. در واقع جامعه‌شناسی رمان، انعکاس هنرمندانه‌ی جامعه که در جهانی تخیلی ترسیم شده را نقد و تحلیل می‌کند. این شیوه‌ی ادبی با رویکردی زنانه، نگرشی نوپا است که قابلیت گسترده‌ای برای برخورداری از مسائل مهم و ریشه‌دار در زمینه‌ی زنان دارد. رمان «علی مائده داعش» اثر زهراء عبدالله نویسنده‌ی واقع‌گراست که به‌عنوان یک اثر اجتماعی با رویکردی زنانه، از مسائلی مانند حقوق زنان اسیر، فقر فرهنگی، مردسالاری و نابسامانی‌های اجتماعی که توسط نیروهای تروریستی داعش و به‌نام اسلام ایجاد شده سخن گفته و زخم‌ها و جراحات‌هایی که از رهگذر اشغال عراق بر پیکره‌ی زنان جامعه وارد شده را ترسیم می‌نماید. هدف از این پژوهش، بررسی و تبیین رفتار داعشیان علیه زنان در رمان «علی مائده داعش» بر پایه‌ی چارچوب نقد جامعه‌شناختی ادبیات با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن می‌باشد که نویسنده توانسته روزنه‌ای جدید برای شناخت زوایای مختلف اشغال عراق و به بردگی‌گرفتن زنان توسط داعش را در برابر دیدگان مخاطب نمایان سازد.

کلید واژه‌ها: نقد جامعه‌شناختی رمان، زنان، داعش، زهراء عبدالله، علی مائده داعش.

مقدمه

نقد جامعه‌شناختی، شیوه‌ای مناسب در تحلیل آثار ادبی از جمله رمان‌های رئالیسم است که به مطالعه و بررسی طبقات مختلف جامعه، طرز رفتار، برخورد، عملکردها و کنش‌های متفاوت و متشابه در ساختار اجتماعی در یک بازه‌ی زمانی و مکانی می‌پردازد. این دیدگاه در نقد، جامعه، نویسنده و اثر ادبی را در یک رابطه‌ی زنده قرار داده و به بحث و ارزیابی آن می‌پردازد. در واقع منتقد ادبی با کاوش در جامعه‌ی خلق شده در اثر ادبی در یک زمان و مکان معین که شخصیت‌ها در آن به وجود آمده، به آگاهی کاملی می‌رسد تا بتواند با استفاده از شیوه‌ی نقد جامعه‌شناختی، اثر ادبی را به منزله‌ی واکنش نویسنده نسبت به جامعه‌ی خود بررسی نموده و از این طریق، برداشت‌های او از محیط و فرهنگ آن اجتماع را تحلیل می‌کند (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۲۶۷). به‌طور کلی می‌توان گفت نقد جامعه‌شناختی، به مطالعه‌ی تأثیر و تأثرهای متقابل جامعه و اثر ادبی بر یکدیگر پرداخته و تأثیر عوامل گوناگون در شکل‌گیری یک اثر ادبی مانند رمان را واکاوی می‌کند.

نقد جامعه‌شناختی در دوره‌ی معاصر به‌صورت تدریجی به جهان عرب راه یافت و نویسندگان در کشورهای مختلف عربی از این شیوه برای انتقاد از نابسامانی‌های اجتماعی، حقوق زنان، نظام مردسالاری و فقر فرهنگی حاکم در جامعه استفاده می‌کنند. زهرا عبدالله^۱ از جمله نویسندگان واقع‌گرا اجتماعی در جهان عرب به‌شمار می‌آید که در رمان «علی مائده داعش»، از شیوه‌ی نقد جامعه‌شناختی رمان با رویکردی زنانه استفاده کرده است. او در این رمان اجتماعی، توجه اصلی خود را معطوف به ماهیت جامعه، عملکرد و تأثیر آن بر شخصیت‌های زنان اسیر در چنگال داعش می‌نماید و اثرگذاری اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن برهه‌ی زمانی و مکانی را بر شخصیت‌ها و رویدادهای داستان به‌تصویر می‌کشد. در واقع، رمان علی مائده داعش به‌عنوان یک اثر ادبی با صبغه‌ی فمینیستی، از جمله آثاری است که در مورد عملکرد مردان داعش و جنایت‌های آن‌ها با نام اسلام و علیه زنان انتقاد کرده است.

پژوهش حاضر از منظر روش تحقیق، تحقیقی توصیفی - تحلیلی محسوب می‌شود.

در این مقاله برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز از تحقیقات گذشته و ادبیات و پیشینه در زمینه‌ی متغیرهای پژوهش و روابط میان آنها با مراجعه به منابع موجود استفاده گردید. روش تحقیق در این پژوهش، مطالعه‌ی کتاب‌های جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی ادبیات و تحلیل محتوا و نقد چندین رمان با محوریت داعش از دیدگاه نقد جامعه‌شناختی است.

مهم‌ترین هدف این پژوهش، بررسی وضعیت زنان در رمان علی مائده داعش از منظر نقد جامعه‌شناختی ادبیات و درک معنایی کیفیت زندگی زنان، اسارت و آزار و اذیت‌های روحی، روانی و جسمی وارده به آنها از سوی داعش و آشنایی با میزان ظلم و ستم این گروه نسبت به مردم بی‌گناه می‌باشد. همچنین باید خاطر نشان کرد که مهم‌ترین اهمیت و ضرورت این پژوهش، بررسی و شناسایی وضعیت زنان، خرید و فروش و آزار جنسی آنها توسط گروه تروریستی داعش و توجیه این عمل فجیع با احکام فقهی مضحک خود در این گروه به‌ظاهر اسلام‌گرا از خلال بررسی رمان مذکور بیان کرد. سؤالات اساسی که در این پژوهش به آنها پاسخ داده خواهد شد بدین شرح است:

- نویسنده‌ی رمان «علی مائده داعش» تا چه میزان توانسته وضعیت زنان اسیر در چنگال داعش را به‌تصویر بکشد؟
- انجام انواع خشونت‌های جسمی و روانی علیه زنان توسط گروه تروریستی داعش در رمان «علی مائده داعش» چه نمودی دارد و محصول چه عملکردی می‌تواند باشد؟

پیشینه‌ی پژوهش

در چند سال اخیر، پژوهش‌های متعددی در زمینه‌ی جامعه‌شناسی ادبیات در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله صورت گرفته است که از جمله‌ی آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- زینب بیگی بروجنی در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «جامعه‌شناسی ادبی رمان طریق الطویل» (۱۳۹۰) به بررسی مسائل اجتماعی در این رمان پرداخته است. در این پایان‌نامه،

نگارنده مسأله‌ی استعمار، عقاید، آداب و رسوم و فقر در جامعه‌ی مصر که نویسنده‌ی کتاب آن را به‌تصویر کشیده را بر اساس نظریه‌ی جورج لوکاچ بررسی نموده است.

- در مقاله‌ی «بررسی جامعه‌شناختی رمان تاریخی اشک سبلان» از فیروز راد و علی نظری شیخ احمد (مجله‌ی جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ش ۲: ۱۳۹۰)، نویسندگان به بررسی هم‌ارزی ساختاری بین ساختار زیباشناسی رمان تاریخی اشک سبلان و ساختار ذهنی نویسنده و ایدئولوژی طبقه‌ی متوسط در زمان آفرینش آن پرداخته‌اند. این مقاله بر اساس روش ساختگرایی تکوینی نظریه‌ی گلدمن و در دو سطح دریافت و تشریح بررسی شده‌است.

- فاطمه احمدنژاد در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «جایگاه و عملکرد زنان در گروه‌های تروریستی (مطالعه موردی داعش)» (۱۳۹۶)، به مسأله‌ی زنان و ترفندهای جذب آنان در گروه تکفیری داعش پرداخته و به این نکته اشاره نموده که با وجود رویکرد و مشی جنسیت‌گرای شدید در داعش و اجرای قوانین شریعت خودساخته‌ی خود با نام اسلام، شمار زنانی که به این گروه پیوسته‌اند، رو به افزایش است. این پایان‌نامه درصدد بررسی علل و بررسی این گرایش گسترده‌ی زنان به سمت داعش می‌باشد و روش‌ها و ترفندهای فریب زنان را بیان کرده است.

- در مقاله‌ی «تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» از مهدی ذوالفقاری و ابوذر عمرانی، (فصلنامه‌ی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ش ۲: ۱۳۹۶)، با توجه به هویت غیر عرب و مذهب شیعی ایران، به بررسی تأثیر ظهور پدیده‌ی داعش بر امنیت ملی این کشور پرداخته‌اند.

در بررسی و مطالعاتی که در زمینه‌ی جامعه‌شناسی ادبیات صورت گرفته، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که هیچکدام از نگارندگان به بیان وضعیت زنان از منظر جامعه‌شناختی ادبیات در رمان علی مائده داعش نپرداخته و برخی از پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های انجام گرفته در این راستا، به بررسی جامعه‌شناسی ادبیات در یک اثر ادبی به‌صورت کلی اشاره شده است. بنابراین می‌توان گفت که تاکنون پژوهشی در زمینه‌ی

نقد جامعه‌شناسی ادبی رفتار داعش نسبت به زنان در رمان منتخب صورت نگرفته و پژوهش حاضر برای نخستین بار به بررسی این رمان پرداخته است.

جامعه‌شناسی ادبیات

جامعه‌شناسی ادبیات به‌عنوان یک شاخه‌ی علمی، افکار اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و هر آنچه که در بطن جامعه‌ی یک اثر هنری قرار می‌گیرد را بررسی می‌کند؛ افکاری که بیان‌کننده‌ی اوضاع زمانه، عقاید، فرهنگ و آداب و رسوم حاکم بر آن زمان است. شاعر یا نویسنده، به‌عنوان عضوی از اعضای جامعه، آنچه که دیده و یا شنیده و آنچه که اندوخته را به رشته‌ی تحریر در می‌آورد. در واقع، این شاخه‌ی میان‌رشته‌ای قالب‌های فکری نویسنده را در پیوند با ساختار جمعی محیط و سبک کاری او که در ارتباط با تحولات اجتماعی و فرهنگی زمانه‌اش قرار دارد و ساز و کارهای آفرینش هنری در آثار او را نیز مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. جامعه‌شناسی ادبیات اندیشه‌های نویسنده را در بستر زمان می‌گذارد، رابطه‌ی آن را با تفکر رایج نظام حاکم، با شرایط و خواست‌های زمان و با موقعیت و منافع طبقات اجتماعی مختلف نشان می‌دهد.

این نوع از جامعه‌شناسی تمامی جریان‌ات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و هر آنچه که در محیط جامعه رخ می‌دهد را در روند آثار ادبی از جمله شعر، رمان و نمایش‌نامه تبیین می‌نماید. به‌طور کلی ادبیات را می‌توان به انواع مختلفی مانند شعر، داستان، نمایش‌نامه و ادبیات عامه یا محلی تقسیم کرد که هرکدام از این گونه‌های ادبی، نیازمند زاویه‌ی دید جامعه‌شناسی متفاوتی در روش‌های تحلیلی است. رمان به‌عنوان یکی از شاخه‌های داستان‌سرایی نسبت به سایر گونه‌های ادبی، نظر بسیاری از جامعه‌شناسان از جمله پی‌یر بوردیو و گیدنز را متوجه‌ی خود ساخته است. این گونه‌ی ادبی به‌نوعی بیان‌کننده‌ی واقعیت روشن هر جامعه می‌باشد و به همین دلیل، شمار تحقیقات و پژوهش‌های جامعه‌شناسی بسیار بیشتر و بارزتر از تحلیل و نقدهای اجتماعی متن‌های خیالی و عاطفی شاعرانه است. در واقع، رمان موقعیت و صحنه‌های اجتماعی، سیاسی و تاریخی یک جامعه را به‌تصویر می‌کشد و توصیفات زندگی درونی و روانی یک فرد را

نه تنها با محیط اجتماعی او، بلکه با تحلیل‌های جامعه‌شناسی این محیط‌ها بررسی می‌نماید. مهم‌ترین مؤلفه‌های جامعه‌شناسی ادبیات، فرهنگ، شخصیت و ساخت اجتماعی نام دارد (روشنفکر و نعمتی قزوینی، ۱۳۸۹: ۱۵۵-۱۵۶).

خلاصه‌ی رمان

رمان «علی مائده داعش»، اثری اجتماعی از زهراء عبدالله نویسنده‌ی سوری- لبنانی است که روایتی واقعی از واقعه‌ی دهشتناک مردمان کوه سنجار که در چنگال داعش اسیر شدند و در معرض نسل‌کشی قرار گرفتند، می‌باشد. این رمان، سرگذشت دختری بیست ساله به نام «یوفا» است که در طبقه‌ی دوم جامعه‌ی ایزدی‌ها زندگی می‌کند. او عاشق جوانی با نام «سیروان» شده که در طبقه‌ی سوم اجتماعی یعنی طبقه‌ی عمومی ایزدی‌ها قرار دارد. آن دو به‌صورت اتفاقی با یکدیگر در داورخانه آشنا و عاشق همدیگر می‌شوند و یک رابطه‌ی عاشقانه‌ی پنهانی برقرار می‌کنند ولی به‌دلیل آنکه در دین و رسوم ایزدی‌ها، ازدواج طبقات مختلف با یکدیگر حرام است، این دو نیز طبق عادت مرسوم نمی‌تواند با هم ازدواج کنند. سیروان پس از تلاش‌های متعدد و ناکامی در رسیدن به معشوقش، تصمیم می‌گیرد که با یوفا فرار کرده و در منطقه‌ای غیر کردنشین با او ازدواج کند اما یوفا نپذیرفت و سرانجام سیروان با ناامیدی از یوفا، به همراه خانواده‌ی خود، به کوه‌های اطراف سنجار می‌رود.

در صبح روز چهاردهم اوت سال ۲۰۱۴ وقتی تقریباً همه چیز آرام به‌نظر می‌رسید، صدای تیراندازی و حرکت لشکری از دور شنیده و نزدیک‌تر می‌شد؛ مردم محله با عجله جمع شدند و سرانجام تصمیم گرفتند تا وسایل مورد نیاز را بردارند به کوه‌های اطراف شهر بگریزند؛ اما تلاش‌های همه از جمله پدر یوفا بی‌فایده بود و همه توسط داعش محاصره و دستگیر شدند؛ داعشیان، مردان به شیطان‌پرستی متهم و خون آنان را حلال دانستند و آنها را به‌قتل رسانده، اسامی زنان و کودکان را یادداشت و آنها را در مدرسه‌ی سه طبقه زندانی کردند. پس از گذشت چند روز، رهبران داعش به آنها می‌گویند که باید اسلام آورده و با هریک از مردان آن گروه ازدواج کنند؛ «یوفا» نیز مانند

سایر زنان به‌ناچار برای حفظ زندگی خود تسلیم این خواسته گردید، در مکان‌های مختلف خرید و فروش شد و تحت شکنجه‌های روحی و جسمی و تجاوز توسط فرماندهان داعش قرار گرفت؛ اما همواره با یاد عشق خود و پشیمانی از رد خواسته‌ی سیروان برای فرار و ازدواج در خارج از سنجار، به زندگی ادامه می‌دهد.

داعش

یکی از پیچیده‌ترین و سرسپرده‌ترین گروه‌های تروریستی که امروزه از آن با عنوان «هیولای تاریخ» یاد می‌کنند، گروه تروریستی داعش است. این گروه که در تاریخ ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ حکومت خود را با عنوان «داعش» آغاز کرد، بخش‌های از شمال عراق و سوریه را به تصرف خود در آورد و متشکل از گروهی از تروریست‌های بین‌المللی بود که از کشورهای مختلف عربی، آسیایی، اروپایی و آفریقایی با هدف برپایی خلافت اسلامی با یک ایدئولوژیک و عقیده‌ی متفاوت، گرد هم آمدند. تکیه‌ی افراطی بر نص، نقل و پرهیز از هرگونه تعقل و تدبر، توسعه‌ی معنایی و مصداقی کفر و شرک به تمام مخالفان و منتقدان فکری و عقیدتی خود - عمدتاً پیروان سایر فرقه‌های اسلامی -، عدم توجه به زمان، شرایط و مقتضیات تاریخی و تأکید بر استفاده حداکثری از خشونت فیزیکی با استفاده از مفهوم انحرافی «جهاد» و نمایش سنگدلانه‌ی آن با استفاده از ابزارهای مدرن، از مهم‌ترین مبانی و اصولی است که داعش در عملکرد خود آن را عیناً به نمایش می‌گذارد (اشرف نظری، ۱۳۹۴: ۳۶).

انکار این گروه تروریستی، با وجود رفتارهای غیرانسانی از جمله ایجاد ترس، وحشت، به‌کار بستن زور و انجام کارهای خشونت‌آمیز و غیرقانونی، کشتار دسته‌جمعی مردان و کودکان، تخریب مکان‌های مقدس و عضوپذیری از کودکان در سطح کشورهای جهان، غیرممکن است. از جمله جنایات فجیع نیروهای داعش علیه زنان می‌توان به کشتار زنان، به بردگی گرفتن و فروش آن‌ها، اعمال خشونت‌های جنسی ضد زنان و دختران ایزدی، تعقیب و آزار مداوم و محاصره‌ی زنان ایزدی که به کوه‌های اطراف سنجار گریخته بودند، اشاره کرد.

نقد و تحلیل رفتار داعش نسبت به زنان در جامعه‌ی ساختگی

در چند دهه‌ی اخیر، خاورمیانه شاهد تحولات و بحران‌های اجتماعی و سیاسی و ناکامی رژیم‌های سکولار بوده که مسلماً بر رشد و گسترش جریان‌های تکفیری-سلفی‌گری بسیار تأثیر گذاشته است. به عبارتی دیگر می‌توان گفت که ظهور جریان‌های تکفیری و گسترش خشونت‌طلبی ناشی از تعهد عقیدتی و آموزه‌ای این جریان‌ها، آن‌ها را به بحران‌های سیاسی و اجتماعی ژرفی در خاورمیانه تبدیل کرده و داعش به‌عنوان تندروترین گروه تکفیری، محصول این اندیشه‌ی سلفی است. این گروه با برداشتی متفاوت و گزینشی از آداب و رسوم اسلام، موجب خدشه‌دار شدن چهره‌ی حقیقی دین اسلام در اذهان مردم جهان گشته است. داعش رفتارهای غیرانسانی بسیاری مرتکب شده که از جمله می‌توان به ایجاد ترس، خشونت، تجاوز، برده‌گیری و خرید و فروش زنان و همچنین انجام کارهای خشونت‌آمیز و غیرقانونی علیه زنان اشاره کرد که از میان تمامی این اعمال، خشونت غیرقابل انکار داعشیان علیه زنان و دختران فاجعه‌بارترین کار این گروه به‌شمار می‌آید و این مسأله، موجب به خطر افتادن سلامت روحی و جسمی زنان در جامعه‌ی ساختگی و ایجاد تشویش، حس حقارت شده و در نهایت به خودکشی آن‌ها منجر گردیده است.

خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان را می‌توان چنین تعریف کرد: «پدیده‌ای است که در آن زن به‌خاطر جنسیت خود و صرفاً به علت زن بودن، مورد اعمال زور و تضييع حق از سوی جنس مخالف قرار می‌گیرد. در واقع، به هر نوع عمل و یا رفتاری که منجر به آسیب جسمی، جنسی، روانی یا محرومیت و عذاب شود، خشونت علیه زنان گفته می‌شود.» این تعریف، تهدید به اعمال و رفتاری از این دست، محرومیت از آزادی به اجبار یا به اختیار، خواه در زندگی شخصی یا خواه در زندگی جمعی را نیز در بر می‌گیرد (علی‌وردی‌نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

خشونت علیه زنان به انواع مختلفی قابل تقسیم است؛ از جمله:

خشونت جنسی که ممکن است در حیطه‌ی زندگی خصوصی، زناشویی و خانوادگی اتفاق بیفتد و به‌صورت الزام به تمکین از شوهر یا رابطه‌ی محارم با یکدیگر در حلقه‌ی خویشاوندی علیه زن اعمال شود (کار، ۱۳۸۱: ۳۴۶).

خشونت جسمی (فیزیکی) که در واقع نوعی اقدام فیزیکی برای آسیب‌رساندن، ترساندن یا کنترل‌کردن همسر (اعزازی، ۱۳۸۳: ۸۱۳) به‌شمار می‌آید.

خشونت روانی که به رفتار خشونت‌آمیزی که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه‌دار می‌کند، گفته می‌شود (همان: ۲۰۹).

خشونت مالی که طی آن، در بسیاری از نقاط جهان، زنان را به نیروی کار بی‌جیره و موجب ملزم می‌سازند و چنانچه مردان خانواده نخواهند از خود سخاوتی نشان دهند، ادامه‌ی زندگی زنان به مخاطره می‌افتد (همان).

خشونت اجتماعی به معنای ممنوعیت ملاقات با دوستان و خویشاوندان (آقایگلویی و آقاخانی، ۱۳۹۷: ۸۱)

خشونت عاطفی به معنای کوتاهی در برآوردن نیازهای فیزیولوژیک (همان).

و خشونت کلامی که رفتار خشن مرد در گفتار خود نسبت به زن می‌باشد (دانش و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۲).

علاوه بر انواع خشونت‌های نام‌برده شده، خشونت داعش نسبت به زنان، مسأله‌ای اساسی به‌شمار می‌آید و می‌توان گفت نوع خشونت آن‌ها نسبت به زنان از نوع خشونت شوهر به همسر و خشونت سرمایه‌داران نسبت به زیردستانشان برای انجام کار بی‌جیره و موجب نیست و این نوع خشونت صرفاً به دلیل سوءاستفاده‌های جنسی با نام اسلام علیه زنان بی‌گناه و اسیر می‌باشد؛ زهرا عبدالله در رمان «علی مائده داعش» به این نوع از خشونت اشاره می‌کند:

«فوجدتُ شرین ممددة أرضاً، عیناها مفتوحتان نصف فتحة، وشفتها بنفسجیتان. نادانی مستعجلاً، جمده مثلي، لثانية، ثم نادى الحارس، وأمره بأن يتفحصها. حاول تحسّن نبضها، ثم أعلن، لا يوجد نفس. قال أبوجنيد مماًزحاً: راحت عليه القطة لأبو كفاح. كالخبير الجنائي، يجلل: العاهرة قطعّت شرابها. ثم صرخ بالحارس: أين هي أم الخنساء؟ كيف لم تراقب استعمال الشفرت، أو تلمّها فور الانتهاء؟ ثم خفّض صوته، وقال للحارس: أحضر بطانيةً من هناك،

وَلَقَّهَا بِهَا، وَاْرْمَهَا وِرَاءَ السَّجْنِ مِنْ جِهَةِ الْغَرْبِ، لِتَشْبِعَ مِنْهَا الْكَلَابَ وَالْأَفَاعِي، أَوْ طَمَّهَا بِالْتَرَابِ، إِنْ كَانَ لَدَيْكَ هَمَّةٌ^۲» (عبدالله، ۲۰۱۷: ۷۰).

رمان «علی مائده داعش»، به نوعی تصویرگر رنج زنان اقلیت مذهبی و خردشدن و سقوط آنها در ورطه‌ی خشونت‌های مردانه است که دلیل آن، جنگ، قتل، تخریب و تجاوز به عنف است. همچنین در این رمان از جملات و کلمات تند و قاطع استفاده شده که بیانگر خشونت بی‌حد و حصر نیروهای داعش علیه زنان می‌باشد. خشونت آنها تا اندازه‌ای است که به جسد بی‌جان زنان نیز رحمی ندارند و به آن آسیب وارد می‌کنند. باید اذعان کرد که این موارد، ریشه در فرهنگ و جامعه‌ای مردسالار دارد که در آن، برای شخصیت زن ارزشی قائل نمی‌شوند. «هام» در کتاب خود به این نکته اشاره کرده است که نظریات متفاوت فمینیستی مانند لیبرال، سوسیالیست و مارکسیست در حوزه‌ی زنان با وجود تفاوت‌های مهمی با یکدیگر، بر این موضوع اتفاق نظر دارند که خشونت علیه زنان، بازتابی از یک جامعه‌ی مردسالار است که در آن روابط نابرابر قدرت در جامعه وجود داشته و خشونت در حفظ و بقای این روابط نابرابر قدرت عمل می‌کند. نظریه‌ی فمینیستی ثابت می‌کند که خشونت علیه زنان به هر شکلی که باشد، خواه به شکل کتک‌زدن، زنا‌ی با محارم و آزار جنسی، محصول فرهنگ مردسالاری است که در آن، مردان هم بر نهادهای اجتماعی و هم بر جسم زنان کنترل دارند (هام، ۱۳۸۲: ۴۶۵). به همین دلیل در رمان، «ابوجنید»، از آن جایی که از دل یک جامعه‌ی مردسالار و ستیزه‌جو که ارزشی برای زن قائل نیست، برخاسته، پس طبیعی است که او خشم خود را بار دیگر بر جسم بی‌جان یک زن خالی کند.

در ادامه‌ی رمان نیز، او از نگهبان می‌خواهد که «جسد را در پشت زندان بیندازد تا خوراک مارها و سگ‌های وحشی شود یا اگر در توان دارد او را خاک کند!!!!» که تمام این مسائل نشان‌دهنده‌ی این است که ابوجنید این احساس را دارد که با خودکشی دخترک زیبا، به هوس خود نرسیده و به نحوی می‌خواهد تا با انداختن جسد بی‌جان او، انتقام نرسیدن به اهدافش را بگیرد. مشروط‌کردن دفن این دختر به توان نگهبان توسط «ابوجنید» به این موضوع اشاره دارد که هیچ ضرورت و الزامی در دفن صحیح او

به شیوه‌ی اسلامی وجود ندارد؛ در صورتی که بر اساس دین اسلام لازم است که جسد مرده پس از تطهیر، به خاک سپرده شود: ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ﴾ (مائده/۳۱)؛ در این آیه خداوند شیوه‌ی دفن صحیح جسد مردگان را برای مسلمانان بیان کرده و با این وجود می‌توان نتیجه گرفت اسلامی که نیروهای داعش از آن سخن به میان می‌آورند، مخالف عقل‌گرایی است و صرفاً راه و روشی افراطی و تک‌بُعدی دارد. در کشور عراق به‌ویژه در میان نیروهای داعش، به دلایل شرایط قومی و تعصبات خشک مذهبی، خشونت علیه زنان از دیرباز به اشکال مختلفی وجود داشته و کماکان نگاه کالاگونه به زن در فرهنگ و جامعه‌ی آن‌ها جای دارد و به‌حدی این قدرت و تعصبات در روح و جان این گروه رایکالی/افراطی ریشه دوانده که به زنان باردار نیز رحم نمی‌کنند و زهراء عبدالله در داستان به این نکته اشاره می‌کند:

«في الغرفة، امرأتان إيزيديتان، «دلدا» و «روناهی»، هما أيضاً سبایاه. تحكي كلُّ منهما قصتها، فدلدا حامل بشهرها الأول، تخاف أن تبقى هنا شهوراً طويلاً، إلى أن ينتفخ بطنها، ويبان حملها، فيظنُّ الداعشيُّ أنَّها حملت منه، أو من داعشيِّ قبله. ولا تجرؤُ إخبارهم أنَّها حامل من زوجها، فيضربونها حتى تجهض، كما فعلوا مع جارثها، ضربوها على بطنها، وأعطوها حبوباً، بقيت تنزف ثلاثة أيام حتى ماتت^۳» (عبدالله، ۲۰۱۷: ۱۰۴).

اگر جامعه‌ی عراق در زمان تسلط داعش بر آن و تفکر تکفیری که بر آن منطقه حاکم کردند بررسی شود، می‌توان به این نکته رسید که نیروهای داعش جامعه‌ی عراق را به زمان جاهلیت برگرداندند و این عقب‌گرد در بحث زنان نیز تحولی ایجاد کرده و تنها نقشی ایزاری برای آنها تصور شده است. بنابراین داعشیان با این ذهنیت مستبدانه‌ی خود تا جایی پیش می‌روند که صرفاً از زنان سوءاستفاده جنسی می‌کنند و پس از ارضای امیال درونی خود و در صورت بلااستفاده بودن، سعی می‌کنند که او را همچون یک وسیله‌ی اسقاطی دور بیندازند. در نتیجه داعشیان با این تصور که زن همسایه‌ی دلدا پس از تجاوزهای مکرر به او، از آن‌ها باردار شده و به دلیل برجای نگذاشتن بچه نامشروع و بلا استفاده بودن آن زن، سعی در کشتن آن زن باردار به همراه فرزندش را

داشتند. ریترز بر اساس نظریه‌ی ستمگری جنسی نیز به این نکته اذعان می‌کند که موقعیت زنان، پیامد رابطه‌ی قدرت مستقیم میان زنان و مردان است؛ رابطه‌ای که طی آن، مردان منافع عینی و بنیادی در نظارت، سوءاستفاده، انقیاد و سرکوبی زنان دارند و از طریق اعمال ستم جنسی بر زنان، این منافع را برآورده می‌سازند (ریترز، ۱۳۸۲: ۴۸۲). بر اساس آرای نظریه‌پردازان، موقعیت زنان، اساساً همان موقعیتی است که در چارچوب آن، زنان مورد سوءاستفاده، تحت نظارت، سرسپردگی و ستم مردان قرار می‌گیرند. این الگوی ستمگری که عموماً مردسالاری خوانده می‌شود، نوعی پیامد غیرعمدی و ثانویه‌ی برخی عوامل دیگر مانند زیست‌شناختی، اجتماعی‌شدن یا نقش‌های جنسی و طبقه‌ی اجتماعی نیست؛ بلکه بیشتر یک ساختار قدرت است که با یک نسبت عمومی و قوی ابقا می‌شود (همان: ۴۸۲-۴۸۳).

خرید و فروش زنان

امروزه مسأله‌ی خرید و فروش زنان، به‌صورت یک مسأله‌ی بین‌المللی در آمده که در واقع به معنای «چیزی است که پنهانی از مکانی به مکانی دیگر منتقل می‌شود. به عبارت دیگر، مجموعه اقدامات جابجایی انسان در مرزهای داخلی یا خارجی است که با هدف اغفال، اجبار و تهدید یا مانند آن انجام می‌گیرد که تمامی این اقدامات در نهایت به سوءاستفاده، استثمار و نقض حقوق بشر منجر می‌شود». مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴، خرید و فروش انسان را «حرکت‌دادن و انتقال غیرقانونی و مخفیانه‌ی اشخاص در مرزهای ملی و بیشتر از کشورهای در حال توسعه و دارای اقتصاد ناپایدار با هدف اجبار زنان و دختران به بهره‌کشی جنسی و اقتصادی و منتفع‌شدن قاچاقچیان و سندیکاهای جنایکار و یا با اهداف کار خانگی اجباری، ازدواج دروغین، استخدام پنهانی و فرزندخواندگی دروغین تعریف کرده است» (نگهی مخلص‌آبادی، ۱۳۹۱: ۹۰).

نیروهای تروریستی داعش پس از اشغال موصل و به اسارت درآوردن زنان ساکن این شهر، شروع به خرید و فروش آن‌ها به قصد فحشاء و بهره‌کشی جنسی نموده‌اند.

داعشیان زنان اسیر را به صورت دسته‌جمعی در میادین این شهر یا به صورت فردی به عنوان کنیز یا برده‌ی جنسی به نیروهای نظامی و تاجران خود می‌فروختند؛ زهراء عبدالله در توصیف این جنایت داعش علیه زنان می‌نویسد:

«جرّی أبو جنید، وأدخلني غرفة مدير السجن. وغمز الشاري قائلاً: هؤلاء الفتيات علی کیفك، لقد جرّتهنّ بنفسی. وهو یتسم بمکر، قال الشاري: عساها تكون مطیعة. ردّ المدير مازحاً: البضاعة الّتی تُباع، یمکن أن تُبدل وتُردّ. وُضع الرجل مبلغاً من المال علی الطاولة، مدّ المدير یده لاحتساً برفقه علی إبهامه یمسب ثمّني، شاکراً إلهه علی هذه البیعة المرفقة! قال: مبروک علیک یا أبو محمّد الرّقاوی» (عبدالله، ۲۰۱۷: ۷۰-۷۱).

به‌طور کلی خرید و فروش زنان با اهداف تجارت جنسی انجام می‌گیرد؛ اما مبادله‌ی زنان توسط داعشیان از نوع قاچاق زنانی نیست که از مرزهایشان خارج شده و در کشورهایمانند امارت، پاکستان و بنگلادش جهت فروش اعضای بدنشان و یا کار در کلوب‌ها به عنوان روسپی به فروش می‌گذارند، این نوع داد و ستد با این تفاوت که زنان به عنوان غنائم جنگی اسیر شده و در دستان نیروهای داعش قرار گرفتند، عمدتاً به‌منظور بهره‌کشی جنسی صورت می‌گیرد. غالباً زنان اسیر شده در چنگال داعش غیرمسلمان بوده، بنابراین این عمل با تهدید و خشونت بیشتری همراه است. با این اوصاف، مدیر زندان پس از تبلیغ فراوان برای یوفا، موفق به فروش او به یکی از فرماندهان داعش شد و رقاوی، یوفا را پس از پرداخت مبلغی با هدف ازدواج، از مدیر زندان خریداری می‌کند، در حالی که قصد او از این کار، ازدواج با او نبوده و صرفاً با هدف کام‌جویی او را خریداری می‌کند.

زنان معمولاً به‌دلیل روحیه حساس و ظریفشان، نسبت به مردان شکننده‌تر هستند و به‌دلیل توان بدنی ضعیفشان، قادر به دفاع از خود نیستند و مجبور به تسلیم در برابر خواسته‌های هوس‌ران‌ها می‌شوند؛ هرچند که با این مسأله، منزلت و پاکدامنی خود را از دست می‌دهند و عفتشان برای همیشه لکه‌دار خواهد شد. به همین دلیل در رمان نیز، یوفا به‌خاطر عدم توان بدنی و شرایط موجود، مجبور به تسلیم در برابر داعشیان و تن دادن به خواسته‌های رقاوی است.

جنگ به‌مثابه یکی از عوامل تغییر اجتماعی می‌باشد که موجب ایجاد ویرانی‌های بسیاری می‌گردد؛ ویرانی‌هایی که جای آبادانی را گرفته و زنان را بیوه، کودکان را یتیم و سبب آواره‌شدن آن‌ها می‌گردد. با جنگ میدان عمل و آزادی‌های زنان بیش از پیش محدود شده و مدام در معرض تهدید، خرید و فروش، خشونت و تجاوز قرار می‌گیرند. همان‌گونه که زهراء عبدالله در مورد خرید و فروش زنان اسیر شده در چنگال داعش اشاره می‌کند:

«كأَنَّهَا دَقَائِقُ مَرَّتْ لَا أَكْثَرَ، اسْتَفْقَتْ عَلَي حَرَكَةِ فَوْقِ رَأْسِي: أَبُو جَنِيدٍ وَخَلْفَهُ رَجُلٌ بِقَامَتِهِ الطَّوِيلَةِ يَسُدُّ بَعْضَ الضُّوءِ الْمَتَسَلِّلِ. بَقِيَتْ أُتْطَلَعُ إِلَيْهِ، كَأَنِّي مَازَلْتُ أَعْوِضُ بِشَلَلِ النَّوْمِ. لَكُنْشِي بِرَجْلِهِ عَلَي رَأْسِي، لِأَتَجَلَّسَ. وَقَفْتُ مُتَرْتِّحَةً، أَحَاوِلُ تَثْبِيَتَ وَزْنِي. اقْتَرَبَ الرَّجُلُ خَطْوَةً كَبِيرَةً، مَدَّ يَدَهُ إِلَي يَدِي، فَابْتَعَدْتُ، خَابِطَةً بِالْحَائِطِ وَرَائِي. هَجَمَ أَبُو جَنِيدٍ، وَشَدَّنِي مِنْ شَعْرِي، لَفَّ أَصَابِعَهُ حَوْلَ رِقْبَتِي، كَدَجَاجَةٍ تَتَهَيَّأُ لِلذَّبْحِ، فَاسْحًا الْمَجَالَ لِلشَّارِي بِمَعَايِنَتِي، وَتَمْرِيرَ عَيْنِيهِ، وَبَدِيهِ كَيْفَمَا أَرَادَ. أَوْمَأَ إِلَي أَبُو جَنِيدٍ بِالرِّضَا قَائِلًا لَهُ: سَأَشْتَرِيهَا، وَلَكِنْ إِذَا وَقَعْتَ تَحْتَ يَدَيْكَ أَخْرِيَاتٍ، أَبْلَغْنِي.»^۵ (همان: ۶۹).

در رمان، یوفا به‌عنوان یک زن اسیر در چنگال داعش، هیچ‌گونه قدرتی برای دفاع از خود ندارد؛ زیرا نیروهای داعش به‌دلیل اقتدار بدنی، اجتماعی و اقتصادی خود با زور، تهدید و انواع خشونت، قدرت اتخاذ هرگونه تصمیمی را دارند. از سوی دیگر، از نحوه‌ی رفتار ابوجنید مشخص است که او در یک جامعه‌ی مردسالار بزرگ شده است که در آن به زنان به چشم ابزاری صنعتی می‌نگرند و زن را نه به‌عنوان جنسی برابر، بلکه به‌عنوان جنس دوم به حساب می‌آورند. به‌همین دلیل است که او نه‌تنها با یوفا مانند یک مرغ گرفتار در قفس رفتار می‌کند، بلکه به خریدار نیز اجازه می‌دهد که با او مانند ابزاری صنعتی که قبل از خرید آن را بررسی می‌نمایند، برخورد کند. همچنین می‌توان گفت که در این نوع از مبادلات، عملاً پولی نصیب زنان قربانی نمی‌شود بلکه صرفاً صاحبان آن‌ها از این داد و ستد سود کلانی را به‌دست می‌آورند.

رفتار منجر به خودکشی

خودکشی یک رفتار چند بُعدی فردی است که توسط شخص و معمولاً به‌شکلی ارادی، خواه آگاهانه یا ناآگاهانه انجام می‌گیرد و سبب گسستن رشته‌ی حیات فرد می‌گردد. این پدیده نتیجه‌ی اختلالات روانی پیش آمده در سیستم عصبی شخص بر اثر پیشینه‌ی خانوادگی، ناامیدی، عوامل زیست محیطی و تحمیل زندگی پر از استرس است که به اختلال افسردگی منجر می‌شود و در نهایت به‌صورت عامدانه فرد تصمیم به خاتمه‌دادن زندگی خود می‌گیرد. نکته‌ی قابل تأمل این است که خودکشی مراتب گوناگونی دارد و هدف شخص از خودکش، همیشه مردن نیست. این امر که سه نوع از افکار و اعمال خودکشی غیرکشنده را دربرمی‌گیرد، در پیش‌بینی متعاقب رفتار خودکشی مهم‌ترین نقش را دارند و شامل: افکار خودکشی، یعنی داشتن تفکراتی مستمر و جدی مبنی بر کشتن خود، برنامه‌ی خودکشی به‌معنای فرمول‌بندی شیوه و سبک خودکشی و تلاش برای خودکشی، یعنی رفتارهای خودآسیب‌زننده به نیت مرگ، می‌باشد.

با وجود تمام این تفاسیر، باید اذعان نمود که اقدام به خودکشی در گذشته، با درجه‌ای خفیف‌تر در ردیف خودکشی قرار می‌گرفت، ولی امروزه پژوهشگران میان خودکشی و اقدام به خودکشی نیز تمایز قائل می‌شوند؛ اقدام به خودکشی علاوه بر خصوصیات کلی خودکشی دارای علل و عوامل خاص خود است؛ تقاضای کمک و حمایت برای تهدید و اخطار ناشی از سردرگمی، ابهام، فرار و گریز را در بر دارد. بنابراین، از آن جایی که خودکشی هم موجب مرگ افراد می‌شود و هم موارد غیرمرگ‌آور را در بر می‌گیرد، سرانجام سبب سردرگمی در معنای اصلی این واژه می‌گردد. پس می‌توان پدیده‌ی خودکشی را به دو دسته‌ی عمده یعنی عملی عمدی و مرگ‌آور^۷ و عملی آسیب‌رسان به خود به‌صورتی غیرکشنده با انگیزه‌های غیر مرگ‌آور^۷ تقسیم کرد.

علی‌رغم تمام خودکشی‌های موجود در ملل جهان که محصول بیماری‌های روانی اعم از افسردگی، استرس، فقر و بیکاری است، خودکشی زنان در چنگال نیروهای تروریستی داعش، حاصل تجاوزهای سیستماتیک و آزارهای جنسی به آن‌ها است. در

واقع خودکشی زنان اسیر، نتیجه‌ی رفتارهای خشونت‌آمیز داعشیان علیه زنان و فشار روحی و جسمی به آنها است؛ همان‌گونه که زهراء عبدالله در رمان علی مائده داعش می‌گوید:

«دمها علی راحتی یسری باردًا، کلّ شیء هادی الآن فی شیرین. خبطها علی وجهها یمینًا و یسارًا، علی أحرص الموت فیها علی الموت فتعود! جسدها الأبیض، تملأه الکدمات الحمراء والزرقاء، آثار سنان واضحة منغزة یجلدها. کیف تحملت کل هذا الوجع؟ رغم آلامها البارحة، إلا أنّی الآن، تیقتن بأکما لم تتألّمها کلها. شیرین قتلت نفسها، لتقتل کل حیونتهم الحیة، الناغلة بداخلها!»^۸ (عبدالله، ۲۰۱۷: ۷۱)

خودکشی اسباب و علل متعددی دارد و به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود؛ اما خودکشی در قشر زنان دارای علل و عوامل خاص خود را دارد که یکی از مهم‌ترین عوامل خودکشی در زنان، تجاوز جنسی است. تجاوز که شدیدترین نوع آزار جنسی در جامعه است، بر جنسیت مبتنی است که موجب تحمیل شرایط نابهنجاری بر فرد تحمیل شده و در نهایت، منجر به آسیب یا رنج جسمانی، جنسی یا روانی به او می‌گردد. تجاوز خود به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که بی‌رحمانه‌ترین نوع آن تجاوزهای سیستماتیک یا پی در پی است که مردان داعشی از این نوع تجاوز در برابر زنان اقلیت مذهبی استفاده نمودند. شیرین، به دلیل زیبایی‌اش خرید و فروش نشد و از همان همان آغاز اسارت توسط مسئولان زندان مورد آزارهای جنسی و تجاوزهای سیستماتیک قرار گرفت. انزجار شیرین از بدنش که داغ ننگ تجاوز، آزارهای جنسی متعدد، تحقیر و اقسام اهانات را با خود به‌همراه داشته، سبب شد که در نهایت تصمیم به خودکشی بگیرد. در واقع شخص مورد تجاوز قرار گرفته، دنیای اطراف خود را دیگر نه به‌صورت پیش، بلکه به عنوان «دنیایی ناامن» حس می‌کند و هویت جنسی آنها به‌شدت صدمه می‌بیند. او که خود را به‌عنوان موجودی فاقد هویت خانوادگی و حمایت‌های جامعه می‌بیند، بهترین راه را برای رهایی از وضع موجود، خودکشی می‌یابد. بنابراین، شیرین به دلیل آن که می‌دانست این تجاوزها و آزار و اذیت‌های داعشیان پایانی ندارد و با فرارکردن از این وضع موجود و داشتن فرزند نامشروع، نمی‌تواند در جامعه‌ی

مردسالار زندگی آرامش‌بخشی داشته باشد، تصمیم به پایان‌دادن به حیات خود می‌گیرد. همچنین باید بیان نمود که خودکشی شیرین از نوع خودکشی موفق بوده و صرفاً به منظور خودنمایی و یا انتقال پیامی به جامعه‌ی مردسالار خود نبوده است.

نوع دیگری از خودکشی، خودکشی ناموفق یا انجام اعمالی که شخص از انجام این کار انگیزه‌ای دارد است که در نهایت به مرگ او منتهی نمی‌شود. این نوع از خودکشی به مراتب مختلفی تقسیم می‌گردد که یک نوع از آن «تلاش برای خودکشی یعنی رفتارهای خودآسیب‌زننده به نیت مرگ» است و زهراء عبدالله در رمان به این نوع از خودکشی ناموفق اشاره می‌کند:

«دخلت عليا تحمل بارودتها علي كنفها، ومعها رجل ملتح، عمره بحدود الأربعين. أمرتنا بأن نقف، وبدأت تشير إلينا، كأنها تبعه آلات اصطناعية. تمسك دفترًا، تقرأ عنه مواصفات كل واحدة. اختار «سيما»، التي تبلغ من العمر تسع سنوات. قالت لها فاطمة، مساعدة عليا، بنبرة كأنها معلّمة في المدرسة: هيّا تعالي. كبركان، كإعصار، كانفجار كويّ، ثارت سيما. وأخذت تصرخ، كأن صوتها يخرج من مئات الحناجر: لا، لن أذهب... لا. تقدّمت عليا بأجّاح سيما، وهي تؤنّبها بصوت كالبوبق حادّ: سأعلّمك درسًا لن تنسيه يا عاهرة. من دون وعي، كأننا نشاهد مسرحيّة أو مشهدًا من فيلم خياليّ، خبطت سيما رأسها بالحائط مرّات متتالية. وكلّ مرّة، كنت أقول الآن سوف تسقط، إلّا أنّ الحبّطات تتابع بتبوّة. إلى أن فقدت الوعي، وهوت أرضًا. جلسْتُ على الفراش، وعيناي ما زالتا تُعيد بطولة سيما. يا لها من بطلة!» (همان: ۱۳۰-۱۳۱)

زنان در بند، بازیچه‌ی هوسرانی نیروهای داعش شده‌اند و تن و زیبایی آن‌ها حاصلی جز خدمت به مردان در برابر پول ندارد. دخترانی که از نظر جنسی و روحی آمادگی پذیرش مردان به‌ویژه مردانی مانند نیروهای داعش که ذهن و روحشان از هرگونه عواطف و انسانیت خشک شده و تنها به فکر ارضای امیال جنسی خود هستند را ندارند. سيما نیز از جمله‌ی همین دختران اسیر است؛ دختری ۱۳ ساله که می‌داند به زودی اسیر هوسرانی مردان می‌شود، بنابراین به‌منظور جلوگیری از این عمل و فروخته‌شدن، تلاش به کشتن خود با هدف مرگ می‌کند و به‌کرات سرش را به دیوار

می‌زند. هدف سیما از این عمل قطعاً کشتن خود نیست، بلکه او تلاش به کشتن خود می‌کند تا توسط مرد خریدار انتخاب نشود و خود را دختری سرکش و غیرقابل نگهداری نشان دهد؛ زیرا او می‌داند که خریداران به دنبال دخترانی آرام و مطیع هستند که فرمانبردار و حرف‌شنو باشد.

نتیجه‌گیری

درون مایه‌ی اصلی رمان «علی مائده داعش»، دردی است که اشکال گوناگون جسمی، جنسی، روانی را شامل می‌شود و بیانگر رنج و وضعیت متشنج جامعه‌ی خودساخته‌ی داعش، رنج فشارهای اجتماعی و دینی حاکم در این جامعه و رنج شرایط نابسامان زنان در چنگال نیروهای داعش در عراق و سوریه است. در پژوهش حاضر با استفاده از نقد جامعه‌شناختی ادبیات به بررسی و مطالعه‌ی رفتار داعش نسبت زنان در رمان «علی مائده داعش» از زهرا عبدالله پرداخته شد و نتایج زیر قابل حصول است:

- رمان صبغه‌ی فمینیستی دارد؛ به‌گونه‌ای که مردهای داستان، خودخواه، مستبد، بی‌احساس و شهوتران توصیف شده‌اند که زن و زنانگی‌اش را درک نکرده و از زن جز جسمش آگاهی ندارند. خواسته‌ی غالب مطرح‌شده در تمام رمان، ایجاد امنیت و اصلاح اوضاع زنان اسیر است. زهراء عبدالله در رمان به انواع خشونت علیه زنان پرداخته و یأس و ناکامی و سرخوردگی زنان را در اعمال این خشونت‌ها مؤثر دانسته است. او زنان را در جامعه‌ی عراق به‌گونه‌ای توصیف نموده که در هر مذهبی که باشند خواه اسلامی یا غیر اسلامی، نتوانستند به جایگاه واقعی خود دست‌یابند.

- نویسنده‌ی رمان «علی مائده داعش»، وضعیت زنان را در دنیایی از نابرابری و تبعیض جنسیتی به‌تصویر می‌کشد که هیچ راه نجاتی برای رهایی از آن وضعیت، جز خودکشی یا فرار از چنگال آهنین نیروهای داعش نمی‌بیند. زنانی که کمترین امکاناتی برای دفاع از خود ندارند و به ناچار تن به انواع آزارهای روحی و جسمی می‌دهند. در واقع زهراء عبدالله، بی‌پروا خشونت‌های موجود در جامعه‌ی خودساخته‌ی داعشیان را از پشت پرده‌های انکار بیرون می‌کشد و مورد نقد قرار می‌دهد.

-خشونت علیه زنان به هر شکلی که باشد، محصول فرهنگ مردسالار است. مردان در جامعه به منابع قدرت بیشتری دسترسی دارند، بنابراین بستری مساعد برای اعمال نفوذ آنها فراهم می‌شود. در این‌گونه جوامع، مناسبات به‌گونه‌ای است که مرد بر زن تسلط و برتری دارد و همین سلطه‌جویی منشأ فشار، اجبار و انواع خشونت و بدرفتاری است. مردان خشونت را برای تداوم و تحکیم اختیارات خود و مهار زنان به کار می‌گیرند و در این بین، این زنان هستند که قربانی خشونت می‌شوند. بنابراین انجام اعمال آزاردهنده‌ای مانند: آزارهای جنسی، خشونت و خرید و فروش زنان اسیر توسط نیروهای داعش، محصول همین فرهنگ مردسالارانه‌ی عراق می‌باشد که به‌صورت ظالمانه‌تری انجام گرفته است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- زهراء عبدالله در روز هفتم ماه کانون الثالی سال ۱۹۸۹ در لبنان متولد شد و در همان شهر بزرگ شده است. پدرش اهل سوریه و مادر او لبنانی است بدین ترتیب او خود را نویسنده‌ی «سوری- لبنانی» می‌نامد. وی فارغ‌التحصیل رشته‌ی علوم سیاسی از دانشگاه لبنان است و تحصیلات خود را در رشته‌ی علوم سیاسی در پاریس به پایان رسانده است. سبک کار او واقع‌گرا و اجتماعی است و بیشتر در آثار خود به مسائل زنان پرداخته و اولین اثر ادبی او رمان «علی مائده داعش» نام دارد.
- ۲- شیرین را افتاده بر روی زمین دیدم، چشمانش نیم باز و لب‌هایش بنفش شده بود. با عجله مرا صدا زد، مثل من ثانیه‌ای خشکش زد، پس از چندی نگهبان را صدا زد، و دستور داد که او را معاینه کند. تلاش کرد نبض او را احساس کند، سپس گفت: نفس نمی‌کشد. ابوجنید با لحنی شوخی گفت: ابوکفاح کارش تمام شده است. او همچون یک متخصص پزشکی قانونی همه چیز را بررسی می‌کرد. عوضی سرخ‌رگش را قطع کرد. سپس نگهبان را صدا زد. این أم خنساء کجاست؟ چگونه حواسش نبوده که او از سرنگ استفاده کرده یا به محض پایان، آن را جمع نکرده؟ سپس با صدایی آرام به نگهبان گفت: ملافه‌ای از آن جا بیاور و او را در آن بیچپان و در پشت زندان از سمت غرب بنداز تا سگ‌ها و مارهای وحشی را سیراب کند و یا اگر توان‌داری او را در خاک دفن کن.
- ۳- در اتاق، دو زن ایزدی، دلدا و روناھی، آن دو نیز اسیر بودند. هر یک قصه‌اش را می‌گفت، دلدا ماه اول بارداریش بود، بیم از آن داشت که ماه‌های طولانی و تا زمان بالآمدن شکمش اینجا بماند و بارداریش آشکار شود، و داعشی گمان برد که از او یا از داعشی قبل از او، باردار شده است. و

جرات گفتن خبر بارداریش از همسر خود را نداشت؛ چون او را تا سقط فرزندش، خواهند زد، همانطور که با همسایه‌اش چنین کردند، آنقدر بر روی شکم او زدند، و به او قرص دادند، تا بالاخره از دنیا رفت.

۴- ابوجنید مرا کشید و به داخل اتاق مدیر زندان برد. با اشاره به خریدار گفت: این هم دختران تا دلت بخواهد خودم همه‌ی آن‌ها را امتحان کردم. در حالی که با حيله می‌خندید، خریدار گفت: امیدوارم فرمانبردار باشد. مدیر به شوخی پاسخ داد: کالای فروخته‌شده را می‌توان تعویض کرد یا برگشت داد. مردک مبلغی را روی میز گذاشت، مدیر انگشتش را برای حساب‌کردن مبلغ فروش من با آب دهان خود خیس کرد و خدایش را به‌خاطر این فروش موفق شکر می‌کرد. گفت: مبارک باشه ای ابو محمد رقاوی.

۵- چند دقیقه نگذشته بود که از حرکت دستی در بالای سرم بیدار شدم. ابوجنید و مردی بلند قامتی از پی او بود که روزنه‌های نور را پنهان می‌کرد. همچنان به او نگاه می‌کردم، گویا همچنان غرق در خواب بودم. با پاهایش به سرم ضربه زد تا بشنیم. تلوتلوکنان ایستادم و سعی کردم وزنم را روی پاهایم ثابت نگه دارم. مرد با گامی بلند به من نزدیک شد، دستش را روی دستانم گذاشت، پس دور شدم، حال آن که بی‌توجه به دیوار پیشرو خود برخورد کردم. ابوجنید به من حمله کرد از موهایم مرا کشید و بسان مرغ آماده برای ذبح، با انگشت دور گردنم را گرفت سپس به خریدار اجازه داد مرا خوب چک کند، و چشمانش را همه جا بچرخاند و دستش را هر کجا که خواست قرار دهد. با رضایت کامل به ابوجنید گفت: او را می‌خرم ولی اگر دیگر هم دست افتاد مرا خبر بده.

6- Suicide

7-Para suicide

۸- خونش بر روی کف دستانم حرکت می‌کند، حالا همه چیز در شیرین آرام بود. روی سمت راست و چپ صورتش سیلی زدم، چه بسا مرگ را به مردن تشویق نمایم، تا برگردد! پوست سفیدش پر شده بود از کبودی‌های قرمز و آبی، آثار دندان‌های فرورفته در پوست او آشکارا وجود داشت. چگونه تمام این دردها را تحمل کرد؟ علی‌رغم دردهای که دیشب کشیده بود، تازه می‌فهمم که تمام دردهایش را درد نکشیده است. شیرین خودش را کشت تا تمام آن حیوانات زنده را بکشد، آن حرامزاده‌ای که در درونش رخنه کرده بود.

۹- علیا با تفنگ بر روی دوش، به‌همراه مردی در حدود چهل ساله و ریش‌دار وارد شد. به ما دستور داد که بایستیم، و شروع به اشاره به ما کرد، گویا که ابزار صنعتی می‌فروشد. دفتر به دست، ویژگی‌های هر یک از ما را بر او می‌خواند. سیمای نُه ساله را انتخاب کرد. فاطمه، دستیار علیا، با صدایی شبیه به معلم مدرسه‌ای گفت: زود باش، بیا. سیما بسان آتشفشان، گردباد و انفجار جهانی برافروخته شد. و فریادی زد، که گویا صدایش از صدها حنجره بیرون می‌آید: نه، هرگز نمی‌روم.. نپههه. علیا به‌سمت

سیما رفت، و او را بسان بوق هولناک، سرزنش می‌کرد: ای بدکاره به تو درسی خواهم آموخت که فراموش نخواهی کرد. ناخودآگاه، گویا در حال مشاهده تئاتر یا صحنه‌ای از فیلم خیالی هستیم، سیما بارها سرش را به دیوار کوبید و هر بار، می‌گفتم که اکنون می‌افتد، اما کوبیدن‌ها هر بار با قدرت ادامه داشت.. تا آنگاه که از هوش رفت و به زمین افتاد. بر روی تختخواب نشستم، حال آن که چشمانم پیوسته شجاعت‌های سیما را از نظر می‌گذرانند. چقدر شجاع است!

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

- اشرف نظری، علی (۱۳۹۴)، «تروریسم جهش‌یافته و ظهور تهدید بنیادین: مطالعه داعش». *فصلنامه‌ی حبل‌المتین*، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی دوازدهم: ۳۶-۴۴.
- آقابیکلویی، عباس و کامران آفاخانی، (۱۳۹۸)، *بررسی پدیده همسرآزاری در شهر تهران سال ۱۳۷۹*، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی، تهران: انتشارات آگاه.
- اعزاز، شهلا (۱۳۸۳)، *خشونت خانوادگی یا زنان کتک‌خورده*، تهران: نشر سالی.
- دانش، پروانه، محمدحسن شربتیان و پویا طوافی، (۱۳۹۶)، «جامعه‌شناختی خشونت خانوادگی علیه زنان و رابطه آن با احساس امنیت در خانه (مطالعه موردی زنان ۱۸-۵۴ سال شهر میانه)»، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، دوره‌ی ششم، شماره‌ی شانزدهم: ۴۷-۷۲.
- ریترز، جورج (۱۳۸۲)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، چاپ ۷، تهران: نشر علمی.
- روشنفکر، کبری و معصومه نعمتی قزوینی، (۱۳۸۹)، «مبانی نقد اجتماعی در ادبیات»، *فصلنامه‌ی دانشنامه‌ی علوم اجتماعی*، شماره‌ی چهارم: ۱۴۵-۱۶۷.
- علیوردی‌نیا، اکبر، محمداسماعیل ریاحی و فاطمه اسفندیاری، (۱۳۸۹)، «تبیین نگرش دانشجویان دختر نسبت به خشونت علیه زنان: آزمون تجربی دیدگاه یادگیری اجتماعی»، *مسائل اجتماعی ایران*، دوره‌ی یکم، شماره‌ی هفتم: ۱۰۳-۱۳۲.
- کار، مهرانگیز (۱۳۸۱)، *پژوهش درباره خشونت علیه زنان در ایران*، تهران: نشر روشنگروان.
- میرصادقی، جمال، (۱۳۸۰)، «عناصر داستان»، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سخن.

نگهی مخلص آبادی، مرجان، (۱۳۹۱)، «جهانی‌شدن مقابله با قاچاق انسان و تأثیر آن بر سیاست جنایی تقنینی ایران». فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره‌ی ششم، شماره‌ی نهم: ۸۷-۱۲۴.

هام، مگی، (۱۳۸۲)، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه‌ی فیروز مهاجر و دیگران، تهران: انتشارات توسعه.

عبدالله، زهرا (۲۰۱۷)، علی مائده داعش، بیروت: دار الآداب.

دراسة سوسولوجية لممارسات داعش ضد النساء في رواية "على مائدة داعش" لزهاء عبدالله

زهرا ماهوزي^١

رسول بلاوي^{٢*}

ناصر زارع^٣

الملخص

يُعدّ النقد السوسولوجي للرواية من إحدى الاتجاهات الحديثة في دراسة الأعمال الأدبية. يتطرق النقد السوسولوجي للرواية إلى دراسة العلاقة الموجودة بين الأسس الاجتماعية والتغيرات الطارئة على المجتمع وذلك بمضمون قصصي-أدبي. في الواقع، تخوض السوسولوجيا الروائية في تحليل التدايمات الفنيّة ونقد المجتمع الذي تمّ رسمه في عالم خيالي. هذا الأسلوب الأدبي مع اتّخاذه الاتجاه النسوي؛ فكرة ناشئة لها أن تستوعب قضايا مهمّة وأساسية في شأن النساء. رواية "على مائدة داعش" للروائية زهاء عبدالله بصفتها أثراً اجتماعياً ذو اتجاه نسوي؛ تخوض في قضايا مختلفة كحقوق النساء الأسيرات، والفقر الثقافي، والذكورية، والمآسي والاضطرابات الاجتماعية التي ظهرت مؤخراً وعلى يد رجال الداعش وكذلك صوّرت لنا الجروح والآلام التي لحقت بالجنس النسوي من خلال الاحتلال العراقي. تحدف من خلال هذه الدراسة إلى دراسة وتبيين سلوك داعش ضدّ النساء في رواية "على مائدة داعش" وذلك على ضوء إطار النقد السوسولوجي الأدبي وبالاعتماد على المنهج الوصفي- التحليلي. تظهر لنا من خلال النتائج بأنّ الكتابة تمكّنت من إيجاد طريق جديد لمعرفة الزوايا المختلفة للاحتلال العراقي؛ فهي تصوّر أمام مرأى المتلقّي ما قام به داعش من سبي النساء.

الكلمات الرئيسية: النقد السوسولوجي للرواية، النساء، داعش، زهاء عبدالله، رواية "على مائدة داعش".

١- طالبة الماجستير في فرع اللغة العربية و آدابها بجامعة خليج فارس، بوشهر

٢- أستاذ مشارك في فرع اللغة العربية و آدابها بجامعة خليج فارس، بوشهر

٣- أستاذ مشارك في فرع اللغة العربية و آدابها بجامعة خليج فارس، بوشهر